

اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران



تضاد مشترک با آمریکا



همایون شجریان در میدان آزادی رایگان برای ملت ایران می خواند

از «دیار عاشقی‌هایم» تا «هرغ سحر»

صفحه ۸

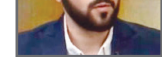
در چه شرایطی «مکانیزم ماشه» برابر متن برجام «بی اثر» می شد اما نشد؟

مکانیزم ماشه و فرصت‌های سوخته

مکانیزم ماشه، ابزار قطعنامه ۲۳۳۱، همچنان ایران را تهدید می‌کند. این گزارش، فرآیند حل اختلاف برجام را تشریح کرده و تحلیل می‌کند چرا ماشه برابر متن برجام در ۲۶ مهر ۱۴۰۴ بی‌اثر نمی‌شود. در این گزارش، ادعای سه کشور اروپایی درباره تکمیل فرآیند حل اختلاف در ۲۰۲۰ و رد درخواست آمریکا برای فعال‌سازی ماشه با یک رأی حقوقی بررسی می‌شود. مکانیزم ماشه، مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت (۲۰۱۵)، ابزار کلیدی برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در صورت نقض برجام است. این مکانیزم، که تا ۲۶ مهر ۱۴۰۴ (۱۸ اکتبر ۲۰۲۵) معتبر بود، می‌توانست تحت شرایطی بی‌اثر شود، اما تنش‌های سیاسی و دیپلماتیک مانع شد. اما چرا سه کشور اروپایی مدعی تکمیل فرآیند ۵۰ روزه در ۲۰۲۰ هستند و چگونه درخواست آمریکا در همان

افزایش قیمت دلار متوقف می‌شود؟	بیش از ۸۰۰ کشته در افغانستان و هشدار زلزله بزرگ	وزیر نیرو باید در مجلس پاسخگو شود اما استیضاح نه
بازار ارز در تله اخبار سیاسی	گسل‌کنر بیدار شد؟	فرسوده ماندن ساختار برق کشور جای تعجب دارد
صفحه ۵	صفحه ۳	صفحه ۴

سخن نخست



به‌قلم: محمد مهدی ملکی

این کشور نه تنها فروکش نکرده، بلکه در مسیر تازه‌ای از منازعات و کشمکش‌ها قرار گرفته است. ابلاغ قانون انتخابات از سوی دمشق که مشارکت را صرفاً در مناطقی که کاملاً تحت کنترل دولت هستند امکان‌پذیر می‌سازد، عملاً به معنای کنار گذاشتن بخش‌های مهمی از جامعه سوری است.

ادامه در صفحه ۲

به‌قلم: حمید حاجی زاده

اولویت قرار گیرند! اصلا داستان آمایش سرزمین و توزیع عادلانه امکانات در کشور و تمرکززدایی به کنار !

دوبیتی (زبانحال استان های محروم):

عدالت تا به دست دولت افتاد

همیشه اسم را بر د از یاد!

ولی در برق خورشیدی، خداوند میان اطلسش تابش به ما داد!

فال بد نزنیم!

چه ایراد دارد که فرض کنیم سال دیگر به قول آقای استاندار سه هزار مگاوات مولد خورشیدی جدید در استان تهران به بهره برداری می‌رسد. از آن طرف هم آقای استاندار می‌داند که نمی‌تواند جر بزند و بعدها بگوید به فلان دلیل وعده ما اجرایی نشد زیرا در بدترین شرایط این وعده را داده‌است؛ مملکت در شرایط تقریباً جنگی است، وضعیت اقتصاد و کسری بودجه دولت «چنان کافتد و دانی» است و تحریم‌ها هم رو به فزونی است.

این بار رباعی:

هم قول تو همزمان اسنپ بک بود

هم این‌که تورم بدی داشت وجود

پس سعی نکن که بعدها جر بزنی!

کاری تو بکن کور شود چشم حسود!

پس به قول شاعر قارامان سال بعد، فصل انگور! تو جام بیاور، من جان!



به‌قلم: وحید حاج سعیدی

مزایای اقتصادی این مسابقات محسوب می‌شود. در ضمن برگزاری مسابقات غیررسمی می‌تواند باعث افزایش فروش در کسب‌کارهای محلی شود. رستوران‌ها، کافه‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی و مغازه‌های ورزشی ممکن است با افزایش تعداد مشتریان در روزهای برگزاری مسابقات مواجه شوند. حتی مسابقات غیررسمی نیز می‌توانند بازدیدکنندگانی را از مناطق اطراف جذب کنند، به ویژه اگر مسابقات دارای جذابیت خاصی باشند یا در یک مکان دیدنی برگزار شوند. این بازدیدکنندگان می‌توانند با خرید از کسب‌وکارهای محلی، به رونق اقتصادی منطقه کمک کنند.

امید است دلسوزان و فعالان اجتماعی جامعه با رویکرد توسعه محور به برگزاری مسابقات مختلف از جمله مسابقات ورزشی بیندیشند و با جدی گرفتن اثرات مثبت این رویدادها، فارغ از منابع دولتی و ملی، مسیر توسعه فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی را فراهم سازند.

تولید می‌کنند بر روی این شبکه می‌گذارند تا خودشان و بقیه از آن برق ببردارند.

شاید منظور چیز دیگری بوده است!

از حق گفت‌گدریم، ممکن است منظور آقای معتمدیان اصلا این نبوده است که تا سال آینده مشکل برق استان تهران حل می‌شود، منظورش این بوده که تولید این استان از مصرف آن بیشتر می‌شود. این هم خیلی قابل افتخار نیست ! این که سهل است، همین الان خیلی از شهرها که نیروگاههای بزرگ دارند می‌توانند ادعا کنند که تراز برقشان مثبت است! هیچ کس نداند آقای استاندار می‌داند که در احداث مولدین خورشیدی چه نقش مهمی دارد تسهیلات، نه تنها ایشان که همه مردم کشور ما هم می‌دانند که تسهیلات بانکی با نرخ سود ثابت در شرایطی که تورم بی‌داد می‌کند آب حیات است که اگر به مرده بنوشانند چون دم مسیحایی او را به نشاط و طرب می‌آورد.

بنابر این اگر تولید برق خورشیدی سرمایه‌گذاری ارزشمندی است (که هست) بهتر است بانکها اعتبارات را میان استانها به گونه‌ای توزیع کنند که مردم همه استانها بتوانند با استفاده از عدالت در توزیع اعتبارات بانکی در این امر اقتصادی و خدایستادانه مشارکت کنند! تازه، منطق حکم می‌کند که استانهای محروم که از قضا از سفره‌ی خورشید بیشتر بهره‌مندند در

به خوبی از تملق بی‌نیازی

چه خوش باشد که روزی مملکت را

خودت راحت کنی از ناترازی!

با این همه، راستش را بخواهید یک چیزهایی هست که کمی ما را راجع به حرف آقا محمصدقاب به شک می‌اندازد...

تافته‌ای جدا بافته!

حالا دیگر همه می‌دانند که برق در مملکت ما در شبکه‌ای سراسری منتقل می‌شود و هیچ استانی در آن مانند جزیره‌ای مستقل نیست که برق مورد نیاز خودش را خودش تولید کند و از ناترازی دریابید، شبکه سراسری برق همان شبکه‌ای است که آقای وزیر نیرو روز گذشته ادعا کرده بود یکی از قدرتمندترین شبکه‌های جهان است. بگذریم از این که ما نفهمیدیم قدرت شبکه برق ما در چیست در حالی که در میان کشورهای نامدار منطقه تنها شبکه‌ای است که بخاطر مشکل کسری تولید به زیور خاموشی‌های خواسته و ناخواسته آراسته است!

دوبیتی:

شرایط در وزارت خوب و عالی است

گمانم مشکلاتش هم خیالی است

ولی این سیم قدرتمند دنیا

نمی‌داند چرا از برق خالی است!

به هر حال شهرها و شهرستانها و استانها هر چه برق

یادداشت

استاندار و قرار فصل انگور!

استاندار تهران گفته است: با روند فعلی تا سال آینده، مشکل ناترازی برق در تهران برطرف می‌شود. از روحیه‌ی ورزشکاری استاد کونگ فو بعید است حرفی بزند که پیشاپیش خودش بداند عملی نیست. بنابر این ما هم به مثابه همان که بر لب دریا نشسته بود و قاشقی ماست در دریا می‌ریخت و هم می‌زد تا بلکه یک دریا آبدوغ درست کند امیدوارانه ناخنکی به این بحث می‌زنیم!

چه ایراد دارد که فرض کنیم این وعده محقق می‌شود و مردم یک استان از مشکل بی‌برقی نجات پیدا می‌کنند؟ اصلا اگر این گونه شد آقای معتمدیان را بگذارند وزیر نیرو و اجازه بدهند با همین دست فرمان مملکت را از معضل بی‌برقی نجات دهد. هر چند ممکن است به قول آن آقای‌ی که می‌گفت: «مردم آگاه نیستند وگرنه می‌رفتند برای خودشان موتور برق می‌خریدند و مشکلاتشان به راحتی حل می‌شد»، شاید مردم آگاه شدند و رفتند همگی تولید کننده برق مورد نیاز خودشان شدند و اصلا مملکت دیگر به وزارت نیرو نیاز نداشت، چه برسد به وزیر نیرو!

مدیری، اهل فکری، چاره‌سازی

هیچ وقت برای لاغری دیر نیست، از امروز شروع کن !
لوئیز

یادداشت

جایگاه تفریح و سرگرمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی

امروزه در دنیا توسعه جوامع رنگ و بوی نوینی پیدا کرده است و از طرح‌ها و برنامه‌هایی که به سبب ایجاد نشاط اجتماعی در جامعه و عدم وابستگی مستقیم به منابع مالی و انسانی دولتی، دارای استقلال و اثرگذاری اجتماعی بیشتری هستند، به شدت استقبال می‌شود. این طرح‌ها و برنامه‌ها که دارای ابعاد و لایه‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، سیاسی و ... هستند، به دلیل داشتن پشتوانه مردمی، تزریق نشاط در جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی از محبوبیت و مقبولیت قابل توجهی در جامعه برخوردار هستند.

اثرات مثبت این برنامه‌ها ویژه در مقولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تا حدی چشمگیر است که می‌توان از آنها به عنوان راهکارهای توسعه‌ای نام برد و در مقولاتی چون ایجاد اشتغال و چرخاندن چرخ اقتصاد هم نیم‌نگاهی جدی به آنها داشت .
یکی از این برنامه‌ها که جذابیت و قابلیت اجرایی آن در همه شهرها و روستاها، باید مورد توجه قرار گیرد، برگزاری مسابقات فرهنگی، ورزشی، هنری و جام‌های

یادداشت

تکنرخی شدن ارز ممکن است؟

به قلم: سعید اشتیاقی

این روزها دوباره بحث «تکنرخی شدن ارز» از سوی بر سر زبان‌ها افتاده است، طرحی که سال‌هاست در ادبیات اقتصادی کشور تکرار می‌شود، اما هر بار نتیجه‌ای جز فشار بیشتر بر مردم و بی‌ثباتی بازار به همراه نداشته است.

وزیر اقتصاد تاکید کرده که «باید به سمت تکنرخی شدن ارز حرکت کنیم»؛ اما پرسش اصلی این است: هزینه این سیاست را چه کسی خواهد پرداخت؟ تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که حذف نرخ‌های ترجیحی و جایگزینی آن با یک نرخ واحد، عملاً به معنای افزایش قیمت کالاهای اساسی، دارو، قطعات صنعتی و مایحتاج روزمره مردم است. در شرایطی که تورم ساختاری و کاهش قدرت خرید، زندگی اقشار متوسط و ضعیف را دشوار کرده، تکنرخی شدن ارز بیش از آن‌که راه‌حل باشد، به بحرانی تازه برای معیشت مردم دامن می‌زند.

۱- دهه ۷۰: دولت وقت برای مدتی کوتاه ارز را تکنرخی کرد، اما به دلیل نبود ذخایر ارزی کافی و فشارهای خارجی، سیاست خیلی زود شکست خورد و بازار سیاه و چندنرخی دوباره بازگشت.

۲- اوایل دهه ۸۰: مجدداً تلاش شد نرخ رسمی و بازار آزاد یکسان‌سازی شود. اما چون زیرساخت‌ها و انضباط مالی وجود نداشت، فاصله نرخ‌ها باز هم به سرعت افزایش یافت.

۳- ارز ۴۲۰۰ تومانی (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱): نمونه اخیر، اختصاص ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی بود. این سیاست به اسم حمایت از مردم اجرا شد، اما به‌دلیل فساد در تخصیص و رانت‌های گسترده، در نهایت حذف شد. نتیجه حذف آن، افزایش جهشی قیمت کالاهای اساسی و فشار مستقیم بر معیشت مردم بود.

این تجارب نشان می‌دهد که «تکنرخی شدن ارز» در اقتصاد بیمار و بی‌انضباط، تنها یک شعار زیبا است که بارها آرموده شده و هر بار تبعات تورمی و اجتماعی سنگینی بر جای گذاشته است.

نقد اصلی

مدافعان این سیاست، آن را راهی برای حذف رانت معرفی می‌کنند. اما مشکل اصلی نه «تعدد نرخ»، بلکه ضعف شفافیت، نبود نظارت، و کسری بودجه مزمن دولت است. اگر همین ساختار موجود با شفافیت و انضباط مالی همراه شود، بسیاری از رانت‌ها و فسادها قابل مهار خواهد بود؛ بی‌آنکه نیاز به شوک‌درمانی پرهزینه برای مردم باشد.

از نگاه من به‌عنوان فعال حوزه تامین و سرمایه‌گذاری، حذف نرخ‌های ترجیحی در شرایط فعلی چیزی جز بی‌ثباتی بیشتر، گرانی گسترده و فشار مستقیم بر سفره مردم به همراه ندارد. صنایع وابسته به واردات نیز در این میان گرفتار هزینه‌های سنگین‌تری می‌شوند و در نهایت دود این سیاست دوباره به چشم مردم خواهد رفت.

راه درست

اقتصاد ایران به جای شعارهای پرهزینه، نیازمند اصلاحات واقعی است:

- انضباط مالی و پولی،

- تقویت ارزش پول ملی،

- شفاف‌سازی در تخصیص ارز،

- و بسته‌های حمایتی واقعی برای اقشار آسیب‌پذیر.

تا زمانی که معیشت مردم در مرکز سیاست‌گذاری نباشد، هر بار که «تکنرخی شدن ارز» به اجرا گذاشته شود، نتیجه‌ای جز تکرار چرخه شکست‌های گذشته نخواهد داشت.

از نگاه برخی اقتصاددانان، تکنرخی شدن ارز ضرورتی انکارناپذیر برای اقتصاد ایران است، اما از نگاه این‌جانب بعنوان یک فعال اقتصادی ضرورتی است که نیازمند اصلاحات عمیق، تدبیر و اجماع ملی است تا منافع آن به طور پایدار در اقتصاد ملی نمایان شود.